

بررسی «نهاد» در زبان ایتالیایی بر اساس نظریهٔ مارتینه

زهرا اسماعیلی فرد*

مربی دانشکدهٔ زبان‌های خارجی دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۸۶/۱۱/۲، تاریخ تصویب: ۸۷/۴/۱۱)

چکیده

بر اساس نظریهٔ نقش‌گرای آندره مارتینه، نهاد مفهومی جهانی نیست، اما در بسیاری از زبان‌ها می‌توانیم به نقش نهاد اشاره کنیم. به هر حال در هر زبان باید وجود احتمالی آن و ویژگی‌هایش بررسی شود. در زبان ایتالیایی کوتاهترین جمله از نهاد و گزاره تشکیل می‌شود، بنابراین وجود هر دو برای ساخت جمله لازم و بایسته است. مهمترین نقش نهاد، تحقق بخشیدن به گزاره است، به همین دلیل امکان حذف آن وجود ندارد. جایگاه نهاد اجباری در این زبان ثابت است و در شمار کثیری از جمله‌ها به صورت شناسهٔ فعل ظاهر می‌شود. به همین دلیل نمی‌توان آن را از گزاره جدا کرد. افزون بر این نهاد، در مواقع زیادی عنصر دیگری هم در جمله‌ها ظاهر می‌شود که از حیث شمار و شخص و گاه از نظر جنس با نهاد اجباری مطابقت دارد و مشخصهٔ اصلی آن اختیاری بودن آن است. نهاد اختیاری قابل حذف است و جایگاه ثابتی در جمله ندارد.

واژه‌های کلیدی: نقش‌گرایی، نهاد، گزاره، زبان ایتالیایی، ترتیب کلمه، نهاد اجباری.

مقدمه

در بسیاری از زبان‌ها نهاد یکی از عناصر اصلی و مهم جمله است. آندره مارتینه، زبانشناس نقش‌گرای فرانسه معتقد است که «نهاد» گسترش اجباری گزاره است و به همراه آن پاره گفتار کمینه یا کوتاهترین جمله را در بسیاری از زبان‌های شناخته شده می‌سازد (مارتینه، ۱۹۸۸، ۱۷۹-۱۸۰). او نهاد را مفهومی جهانی نمی‌داند و معتقد است که در هر زبان باید بررسی مستقلی به وضع نهاد اختصاص یابد و ویژگی‌های احتمالی آن نشان داده شود. از ۱۹۶۰ که مارتینه با چاپ کتاب «مبانی زبانشناسی عمومی» نظریه جدید خود را معرفی کرد و در طول قریب ۳۰ سال آن را کاملتر کرد، بسیاری از آثار او به ایتالیایی ترجمه شدند و تا کنون در دانشگاه‌های این کشور نیز تدریس می‌شوند، هرچند در این زبان پژوهش مستقلی درباره وضع نهاد بر اساس این نظریه انجام نگرفته است. در فارسی علی‌اشرف صادقی، هرمز میلانیان، پیروز ایزدی و ابوالحسن نجفی در چارچوب این دیدگاه به مسأله نهاد پرداخته‌اند. با توجه به اهمیت نقش نهاد، این مقاله برآنست بر اساس این دیدگاه «نهاد» را در زبان ایتالیایی بررسی کرده و به روش قیاسی-تجربی، جمله‌های گوناگون را از متن‌های مختلف زبانی استخراج و نقش‌های نحوی آن را بررسی کند تا به ویژگی‌های نهاد در این زبان دست یابد. برآنیم تا دریابیم که آیا ایتالیایی هم جزء زبان‌های نهاد دار است؟ اگر چنین باشد چه ویژگی‌هایی دارد، چه گونه در جمله ظاهر می‌شود و چه نقش‌های موضوعی می‌توانند عهده دار این نقش گردند؟ جایگاه آن کجاست و موضع نهاد از حیث ترتیب کلمه چگونه است؟

بحث و بررسی

مهمترین روابط دستوری که در بسیاری از زبان‌ها مطالعه شده است، روابط میان فاعل، مفعول و فعل است. این روابط در زبان‌ها به گونه‌های مختلف نشان داده می‌شوند، برای مثال «مطابقه» و «نشانه حالت» و «ترتیب واژگانی» شیوه‌هایی بسیار متداول‌اند. به عبارت دیگر در برخی زبان‌ها مطابقه نهاد و فعل یا فعل و مفعول وجود دارد و زبان فارسی می‌تواند مصداقی برای مورد اول و زبان پشتو که مطابقه فعل متعدی با مفعول بی‌واسطه در آن وجود دارد، نمونه‌ای برای گروه دوم باشد. همچنین پسوند حالت نما می‌تواند نشانگر این رابطه باشد که نمونه آشکار آن زبان لاتین است که هر اسم، با نشانه حالت بخصوصی که نقش آن را هم در جمله نشان می‌دهد، همراه است. «ترتیب واژگانی» هم می‌تواند بیانگر چنین روابطی باشد که انگلیسی از مصداق‌های این دسته از زبان‌ها است.

تعریف‌های مختلفی از نهاد ارائه شده است، برای مثال، در دستور زایشی، آن گروه اسمی را که بی‌فاصله زیر گرهٔ جمله جای می‌گیرد و به اصطلاح خواهر گروه فعلی است، نهاد محسوب می‌کنند (دبیرمقدم ۱۷۱). یادآوری می‌کنیم که این توصیف صوری است و شمار بسیاری از جمله‌هایی را که جایگاه عناصر در آنها جا به جا می‌شوند و در نتیجه بیانگراهداف مختلفی‌اند، در برنمی‌گیرد. به علاوه با تحولات این نظریه در شکل کنونی، این چنین تعریفی صادق نیست.

تعریف دیگر آن است که در کنار گزاره که معمولاً یک فرایند را توصیف می‌کند و به اصطلاح خبر می‌دهد و جنبهٔ پویا دارد، سازهٔ دیگری وجود دارد که به صورت اسم شناخته می‌شود و به منزلهٔ واقعیت دائمی فهمیده می‌شود، آن واقعیتی که پیش از فرایند وجود داشته و اطلاع و خبر روی آن سوار می‌شود، نهاد است. بدین ترتیب «نهاد» همان موضوع پیام و به عبارت دیگر مبتدای کلام است و به همین دلیل قبل از گزاره واقع می‌شود (مارتینه، ۱۹۸۸، ۱۳۶). این تعریف هم نمی‌تواند صادق باشد، چون که بحث اطلاع نو و کهنه همیشه صادق نیست، جمله‌های زیر این مطلب را نشان می‌دهند.

۱- حسن آمد

در این جمله می‌توان گفت که حسن معرفی است و او را می‌شناسیم، پس اطلاع کهنه است و «آمدن» خبری است که درباره او داده می‌شود و لذا اطلاع نو است. اما در جمله‌ای مانند

۲- دزدی به خانهٔ همسایه دستبرد زد

عنصر معرفی خانهٔ همسایه است که متمم گزاره است و برعکس «دزدی» ناشناخته است. پس گذر از اطلاع کهنه به نو در توصیف رابطهٔ میان نهاد و گزاره معتبر نیست. مبتدا شدن هم نمی‌تواند ویژگی همیشگی نهاد باشد، چون زبان‌ها به گونه‌های مختلفی مبتداسازی را تحقق می‌بخشند و افزون بر نهاد، گزاره، مفعول و متمم هم می‌توانند مبتدا واقع شوند، جمله‌های زیر نمونه‌هایی از مبتداسازی در فارسی‌اند:

۳- حسن نامه را نوشت

۴- نامه را حسن نوشت

۵- به حسین حسن نامه نوشت

۶- این حسن بود که نامه نوشت

۷- این نامه بود که حسن آن را نوشت

تعریف دیگری که برای نهاد می‌شود «عامل» عمل بودن است که مبتنی بر ملاحظات معنایی است و همین ویژگی موجب شده تا در فارسی اصطلاح فاعل فراگیر شود و عمدتاً به جای نهاد به کار رود. در ایتالیایی برای اشاره به نهاد و فاعل تنها یک واژه استفاده می‌شود. مثال‌های زیر نشان می‌دهند که این تعریف هم جامع و مانع نیست:

۸- برف می‌بارد

۹- من سیب دوست دارم

۱۰- شیشه شکست

۱۱- او رنج می‌برد

۱۲- حسن نامه را نوشت

۱۳- تبر درخت را قطع کرد

در جمله ۸ «برف» نمی‌تواند عامل عمل باشد. در جمله ۹ «من» عملی را انجام نمی‌دهد، بلکه تنها احساسی بیان می‌شود، در جمله ۱۰ «شیشه» عامل نیست، بلکه کنش‌پذیر است، در جمله ۱۱ «او» کنش‌پذیر است و نمی‌تواند عامل رنج بردن باشد. در جمله ۱۲ حسن عامل عمل است و کسی است که عمل نوشتن توسط او انجام گرفته است و در جمله ۱۳ «تبر» نمی‌تواند عامل عمل باشد و فقط ابزاری است که توسط آن عمل قطع کردن انجام گرفته است. بنابراین تعریف بالا برای نهاد مناسب نیست. از سوی دیگر، در رده‌شناسی معتقد به «نمونه متعارف فاعل» هستند، یعنی عاملی را که عملی را با اراده انجام می‌دهد، فاعل متعارف محسوب می‌کنند و بقیه موارد را به قیاس با آن، فاعل می‌خوانند. در واقع ویژگی مسلط برای نهاد، عامل عمل بودن است (کرافت ۱۷). درست است که ویژگی مسلط برای نهاد عامل عمل بودن است، اما نمونه‌های بالا نشان می‌دهند که جهانی نیست و موارد نقض بسیاری دارد. در ایتالیایی هم در شمار زیادی از جمله‌ها عامل عمل در جایگاه نهاد قرار نمی‌گیرد.

نهاد از نظر مارتینه

از نظر مارتینه نهاد گسترش الزامی گزاره است، الزامی است، چون نمی‌توان آن را حذف کرد. بنابراین هم سطح گزاره و اولین شریک آن است و همراه آن کوتاهترین جمله را در بسیاری از زبان‌های شناخته شده می‌سازد (مارتینه، ۱۹۸۸، ۱۳۸-۱۳۵). مارتینه زبانشناسی نقش‌گرا است و نقش‌های زبانی برای او بسیار مهمند. از نظر او نقش واقعی «نهاد» که نقش اجباری آن است، تحقق بخشیدن به گزاره است، یعنی گوینده برای این که شنونده در

تشخیص پیامی که می‌شنود، دچار شک نشود و آن را با صداهای دیگر اشتباه نگیرد، پیام را به صورتی کاملتر از حداقل لازم بیان می‌کند (مارتینه، ۱۹۸۸، ۱۴۰-۱۴۱). در واقع سخنگو می‌خواهد واقعیت تجربهٔ ارتباطی خود را بهتر مشخص کند و پیامش را برجسته‌تر بیان کند. در این دیدگاه حذف‌ناپذیری، ویژگی دائمی و قطعی نهاد است. ویژگی‌های رایج دیگر آن عبارتند از: مبتدا بودن، عامل بودن و تطابق با گزاره. به هر حال باید ویژگی‌های نهاد را در هر زبان که چنین مفهومی در آن مصداق دارد، به گونه‌ای مستقل کاوید (همان ۱۳۸). «نهاد» به لحاظ معنایی می‌تواند کنندهٔ کار (کنشگر یا عامل)، پذیرندهٔ عمل (کنش‌پذیر) و یا بهره‌برنده از عمل (کنش‌بهر) را نشان دهد (مارتینه، ۱۳۸۰، ۱۷۹-۱۸۰).
با این تعریف از نهاد برآنیم تا نقش آن را در زبان ایتالیایی بررسی کنیم.

نهاد در زبان ایتالیایی

نهاد در کنار گزاره، کوتاهترین جمله را می‌سازد. برای رسیدن به آن کافی است پاره گفتاری را در نظر بگیریم و هر سازه‌ای را که وجودش برای بیان مفهوم اصلی پیام لازم نباشد، حذف کنیم، به این ترتیب به کوچکترین عناصر سازندهٔ جمله می‌رسیم. برای مثال در جمله

14- Di solito Mario passa per questa strada

معمولاً ماریو می‌گذرد از این خیابان

می‌توانیم تکواژها و گروه‌های خود سامان «معمولاً»، «ماریو» و «از این خیابان» را حذف کنیم و مفهوم اصلی «کسی می‌گذرد» حفظ شود. به این شکل به کوتاهترین جمله *passa* می‌رسیم. "a" نشان می‌دهد نهاد کیست. در جمله‌های زیر هم به ترتیب "i" و "iamo" نهادند.

15- Vai a scuola per iscriverti?

می‌روی به مدرسه برای ثبت نام؟

16- Parla ad alta voce.

حرف می‌زند با صدای بلند

به عبارت دیگر تکواژ تصریفی متصل به فعل بیانگر نقش نهادی است و ضرورتی ندارد تا تکواژ دیگری برای اشاره به نهاد آورده شود. به همین دلیل ضمائر فاعلی در ایتالیایی قابل حذف‌اند. اساساً در جمله‌های خبری، نیازی به ذکر ضمائر فاعلی نیست و تنها در صورت تأکید روی آنها، آورده می‌شوند. بنابراین فراوانترین جمله کمینه در این زبان فقط از فعل و

پسوند تصریفی آن که میلانیان آن را پی بند فعلی می‌خوانند (مارتینه، ۱۳۸۰، ۱۴۹) و در سنت دستوری پیشین ما شناسه گفته می‌شد، تشکیل می‌شود.

اگر شناسه فعلی را نهاد اجباری ایتالیایی لحاظ کنیم، تکلیف ضمائر فاعلی یا عناصر واژگانی که با نهاد اجباری مطابقت دارند و در شماری از جمله‌ها علاوه بر این نهاد اجباری ظاهر می‌شوند، چیست؟ مارتینه برای زبان فرانسه می‌گوید ضمائر فاعلی و شناسه‌های فعلی با هم یک «تکواژ گسسته» را به وجود می‌آورند. وجود هر دو بخش الزامی است و نمی‌توان یکی یا هر دوی آنها را حذف کرد.

این نظر در زبان ایتالیایی صادق نیست، چون به راحتی می‌توان بخش ضمیری و در بسیاری از موارد بخش واژگانی را حذف کرد، بی‌آن‌که تغییری در پیام ایجاد شود. بنابراین ضمائر فاعلی یا عناصر دیگری که در جمله ظاهر می‌شوند و به لحاظ شمار با فعل مطابقت دارند، اختیاری‌اند و نقشی اساسی در ساختمان جمله بر عهده ندارند.

برای اثبات این نظر، ۵۰۳ جمله ساده ایتالیایی را در متون مختلف ادبی و زبانی نظیر داستان‌های کوتاه، متن‌های تاریخی، توصیفی، توضیحی، روزنامه‌ای و محاوره‌ای بررسی کردم. کوشیدم انواع ساخت‌ها را در نظر بگیرم و حتی الامکان ساخت‌های مشابه را بیش از یک بار به حساب نیآورم. نتیجه نشان داد که ۲۲۶ جمله با نهاد واژگانی یا ضمیری شروع شده است، به عبارت دیگر کمتر از نیمی از جمله‌ها با چنین نهادی شروع شده‌اند. در بقیه جمله‌ها یا اصلاً چنین فاعلی ذکر نشده است و یا بعد از فعل آمده است.

این آمار، اختیاری بودن نهاد واژگانی و یا ضمیری را به خوبی نشان می‌دهد. همچنین ثابت می‌کند که در ایتالیایی نهاد اجباری همان شناسه‌هایند.

نتایج بالا در ظاهر با آن چه که در ادبیات زبانشناسی درباره ترتیب کلمه در زبان ایتالیایی مطرح است، مغایرت دارد، چون این زبان را در شمار زبان‌های SVO محسوب می‌کنند که در آنها نهاد قبل از فعل و مفعول بعد از آن می‌آید. اگر چنین باشد، حضور شناسه بعد از فعل را چگونه می‌توان توجیه کرد؟ و آیا باید برای نهاد اختیاری هم جایگاه خاصی را در نظر گرفت؟ به دو صورت می‌توان به این سؤال‌ها پاسخ گفت: ۱- نهاد اختیاری در شمار زیادی از جمله‌های ایتالیایی قبل از فعل می‌آید و در تعداد زیاد دیگری از جمله‌ها به سادگی می‌توان آن را بازیافت. پس آن را فاعل مناسب برای توجیه SVO بودن ایتالیایی در نظر بگیریم و مشکل ترتیب کلمه را حل کنیم، اما در این صورت نهاد واقعی جمله را انکار کرده‌ایم و بخشی از واقعیت را لحاظ نکرده‌ایم.

۲- مطالعهٔ زبان‌ها از حیث آرایش واحدهای کلام و به اصطلاح، ترتیب کلمه بسیار شایع است و از موضوعاتی است که رده‌شناسان بسیاری به آن پرداخته‌اند و شمار زیادی از جهانی‌های پیشنهادی گریمرگ، درایر و هاوکینز (Greenberg, Dryer, Hawkins) در این زمینه است. الگوهای مختلفی برای زبان‌ها پیشنهاد شده است، مانند VSO, SOV, SVO و VOS ... باید توجه داشت که هدف از این تقسیم‌بندی‌ها، فقط مسألهٔ فاعل و فعل و مفعول نیست، بلکه به طور کلی زبان‌ها را از نقطه نظر آرایش هسته و وابسته بررسی می‌کنند و همه هسته‌های واژگانی همچون اسم، صفت، فعل و قید در نظر گرفته می‌شوند و ویژگی‌های هر نوع ترتیب کلمه و رابطهٔ آن با دیگر روابط دستوری مطالعه می‌شوند. نکاتی نظیر این که اگر زبانی، مثلاً SVO باشد، چه حرف اضافه‌ای می‌گیرد، حرف اضافه پیشین یا پسین و کدام الگو مسلط است؟ به همین دلیل بهتر است که در رده‌شناسی، دسته‌بندی‌ها کلی‌تر انجام بگیرد تا با در نظر گرفتن موارد استثنایی، به شناخت الگوهای مسلط و حاکم پردازند. دربارهٔ ترتیب کلمه هم الگوهای مسلط که اکثریت بزرگتری از زبان‌ها با آنها مطابقت دارند، دو الگوی "VO" و "OV" است. یعنی آن ترتیبی که روی دیگر هسته‌ها و متمم‌ها و به طور کلی دیگر ساخت‌های زبانی تأثیر قابل پیش‌بینی می‌گذارد، وضع قرار گرفتن فعل و متمم مفعولی در ساخت جمله در زبان‌هاست (کرافت ۴۴-۵۲). بنابراین ترتیب "V" و "O" مهم‌تر و تعیین کننده‌تر است و نقش نهاد اجباری و اختیاری فرعی‌تر محسوب می‌شود. این راه حل با وضع زبان ایتالیایی سازگارتر است و علاوه بر قابل حذف بودن نهاد اختیاری، شواهد زیادی در تأیید آن وجود دارد.

یکی از شواهد آن است که در ایتالیایی هیچگاه در جملهٔ پایه فعل بدون شناسه در ساخت جمله ظاهر نمی‌شود و نهاد اجباری بخشی جداناپذیر از گزاره است، بحث تفکیک فعل و فاعل در این زبان مردود است و هیچیک بدون دیگری نمی‌توانند ظاهر شوند (بدیهی است در این تحلیل بررسی موقعیت‌هایی که بافت زبانی یا غیرزبانی امکان بیان پیام را تنها با یک جزء که لزوماً نهاد یا گزاره هم نیست، ممکن می‌سازد، مورد نظر نیست).

شاهد دیگری که بر این ادعا وجود دارد، وضع قرار گرفتن مفعول در این زبان است، چون اساساً مفعول بی‌واسطه در ایتالیایی هیچ نشانه‌ای ندارد و به اصطلاح مارتینه بدون عنصر نقش‌نما وارد جمله می‌شود. تنها راهی که برای نمایاندن نقش آن وجود دارد، ترتیب قرار گرفتن آن در جمله است که به رغم آزادی نسبی حرکت عناصر درون جمله، مفعول همواره بعد از فعل و بدون نقش‌نما ظاهر می‌شود. در واقع آن گروه اسمی که بدون نقش‌نما بعد از

فعل می‌آید و ضرورت ندارد به لحاظ شمار با فعل مطابقت داشته باشد، مفعول بی‌واسطه است. بنابراین جایگاه مفعول اهمیت اساسی دارد، در حالی که جایگاه نهاد ثابت و اجباری است و به اصطلاح از حیث بیان نقش ارزشی ندارد و نتیجه انتخابی از سوی گوینده نیست. شاهد دیگر جمله‌های غیر شخصی در ایتالیایی است که بر خلاف انگلیسی و فرانسه، نیازی به عنصر جاپرکن ندارند و شناسه اجباری فعل نقش نهاد را ایفا می‌کند. نمونه‌های زیر شناخت بیشتری از نهادهای اجباری و اختیاری و ویژگی‌های آنها را بیان می‌کنند:

17- Aprè allora uno studio commerciale

(باز می‌کند یک دفتر تجاری) بدون فاعل اختیاری

18- Preparo la cena io

(آماده می‌کنم شام را من) فعل متعدی است و من که نهاد اختیاری است برای تأکید در آخر جمله آمده است.

19- In quell momento arrivarono i due figli

(در آن لحظه رسیدند دو فرزند) مطابقت نهادهای اختیاری و اجباری و محل نهاد اختیاری

20 – La gente con questo tempo non pensa alla stanchezza

(مردم با این هوا فکر نمی‌کند به خستگی) مطابقت نهادهای اجباری و جایگاه نهاد اختیاری در آغاز جمله

21- Lui e' nato a Milano

(او به دنیا آمده است در میلان) مطابقت جنس در نهادها

22- Mi piacciono gli spaghetti

(برای من خوشایندند اسپاگتی‌ها) مطابقت نهاد اجباری و اختیاری در فعل لازم.

23- Questi racconti furono pubblicati nel 1980

(این داستان‌ها منتشر شدند در ۱۹۸۰) جمله مجهول و مطابقت جنس و شمار در دو نهاد

24- Piove tutto il giorno

(می‌بارد تمام روز) فقط نهاد اجباری آمده است و می‌بینیم که جمله کامل است.

این نوع جمله‌های غیر شخصی نشان می‌دهند که تحلیل ما درباره نهاد در ایتالیایی کاملاً درست است و این زبان هیچ نیازی به عنصر دیگری برای ایفای نقش نهادی ندارد. همچنین تأکیدی است بر نظر مارتینه که نقش اساسی نهاد را تحقق بخشیدن به گزاره می‌داند. در این زبان، ساخت‌های غیر شخصی دیگری هم وجود دارد.

25- Si parte domani

(همه یا هرکس عزیمت می‌کند فردا) ضمیر "si" در جای نهاد اختیاری نشسته است و امکان تعبیر «هر کس» یا «همه» را به وجود آورده است. بدون این ضمیر، ساخت غیر شخصی فوق به دست نمی‌آید.

26- Qui si parla francese

(اینجا صحبت می‌شود یا ما صحبت می‌کنیم فرانسه)

27- In Italia si guida a destra

(در ایتالیا همه یا آدم یا افراد رانندگی می‌کنند از سمت راست)
قرار گرفتن ضمیر "si" در جمله‌های غیر شخصی، زمینه را برای ساخت نوعی جملهٔ مجهول در این زبان فراهم آورده است، چون این ارجاع نامشخص به یک نهاد، عملاً آن را در حاشیه قرار داده است.

28- La neve si vede da lontano

(برف دیده می‌شود از دور)

29- Le cime delle montagne non si vedono per le nuvole

(قله‌های کوه‌ها دیده نمی‌شوند به خاطر ابرها)
در دو جمله بالا می‌بینیم که نهاد اجباری با مفعول به لحاظ شمار مطابقت دارد، یعنی به ساخت مجهولی نزدیک می‌شویم و این ضمیر همان نقشی را بازی می‌کند که فعل کمکی در ساخت مجهولی، اما فعل اصلی جمله همان صورت معلوم خود را حفظ کرده است.
به طور کلی ساخت‌هایی نظیر دو جمله ۲۸ و ۲۹ و نیز جمله‌هایی که با این ضمیر به صورت غیر شخصی تبدیل می‌شوند از موضوعاتی‌اند که بر سر آنها اختلاف نظر زیادی وجود دارد. برای مثال در زبان‌هایی همچون ایتالیایی و اسپانیایی به «جهت میانه» (= voce media = middle voice) فائل شده‌اند و به نوعی همپوشی بین جهت میانه و ساخت‌های ضمیردار و انعکاسی اشاره کرده‌اند (سعید ۱۶۲-۱۵۶).

از حیث قرار گرفتن نقش‌های موضوعی در جایگاه نهاد، ایتالیایی از آن دسته زبان‌هایی است که اجازه می‌دهد نقش‌های موضوعی مکان، ابزار، موضوع، کنش‌پذیر، بهره‌ور، دریافت‌کننده و کنشگر عهده‌دار نقش نهاد شوند. نمونه‌های زیر این مطلب را نشان می‌دهد:

30- Questa aula ha 100 sedie

این کلاس دارد ۱۰۰ صندلی

31- L'autobus porta gli studenti a scuola

اتوبوس می‌برد دانش‌آموزان را به مدرسه

32- Il testo e' stato letto da Luigi

متن خوانده شد توسط لوییجی

33- Gianni ha ottenuto quella borsa di studio

جاننی به دست آورد آن بورس تحصیلی را

34- Maria cuce una gonna nuova

ماریا می‌دوزد یک دامن نو

نتیجه

در ایتالیایی دو گونه نهاد وجود دارد که یکی از آنها اجباری است. شناسه فعل در اکثریت قاطع جمله‌ها، سازنده نهاد اجباری است. جمله‌ای بدون آن ساخته نمی‌شود، یعنی نهاد همراه و همپای گزاره برای ساخت جمله لازم است و نمی‌توان آن را حذف کرد. جایگاه نهاد اجباری ثابت است، برخلاف نهاد اختیاری که در هر جای جمله می‌تواند قرار گیرد و یا به کلی حذف شود.

نهاد اختیاری از حیث شمار و گاه از حیث جنس با نهاد اجباری مطابقت دارد و به همین دلیل حذف‌پذیر است. برای اثبات این مسأله آماری از بررسی ۵۰۳ جمله ساده ایتالیایی ارائه شد.

در ایتالیایی نقش‌های موضوعی مختلفی می‌توانند در جایگاه نهاد بنشینند، اما تمایل بیشتری وجود دارد که کنشگر در این موقعیت قرار گیرد.

وجود شناسه‌های فعلی به منزله نهاد اجباری این زبان را از داشتن نهاد واژگانی بی‌نیاز کرده است، به همین دلیل در جمله‌های غیر شخصی هم نیازی به عنصر پرکننده جای نهاد نیست. با توجه به ویژگی‌هایی که برای نهاد در این زبان مشخص شد، باید در بحث ترتیب کلمه در ایتالیایی تجدید نظر کنیم، چون به هیچ وجه نمی‌توان آن را یک زبان SVO دانست

کتاب‌شناسی

دبیرمقدم، محمد. (۱۳۷۸). زبان‌شناسی نظری: پیدایش و تکوین دستور زایشی، تهران: انتشارات سخن.

مارتینه، آندرِه. (۱۳۸۰). مبانی زبان‌شناسی عمومی، ترجمهٔ هرمز میلانیا، تهران: هرمس.

Croft, William. (1996). *Typology and Universals*. Cambridge: Cambridge University press.

Martin, Maiden e Cecilia Robustelli. (2000). *A Reference Grammar of Modern Italian*. London : Arnold

Martinet , Andrè. (1988). *Sintassi generale*. Ttraduzione di Maggi Rombi. Bari: Laterza.

Saeed , John I. (1977). *Semantics*. Oxford: Blackwell